



آشنایی با طریق شیخ طوسی و نقش کاربردی آن

پدیدآورده (ها) : علی نژاد، ابوطالب

علوم قرآن و حدیث :: حدیث حوزه :: بهار و تابستان 1390 - شماره 2

از 7 تا 31

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/867374>

دانلود شده توسط : موسسه دارالحدیث

تاریخ دانلود : 07/08/1396

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.ir

آشنایی با طریق شیخ طوسی و نقش کاربردی آن

ابوطالب علی‌نژاد^۱

چکیده

فهرست نجاشی و فهرست شیخ طوسی از گنجینه‌های گران‌بهای است که اطلاعات ذی‌قیمتی از اصول و مصنّفات شیعه و مکتوبات حدیثی آن‌ها در اختیار ما قرار می‌دهد. روش رایج و متداول در میان محدثان در نقل از این‌گونه متون، تنها اتصال اسناد خود به سلسله روایت این آثار است. بدان جهت نجاشی و شیخ طوسی، طرق و اسناد خود را به کتب و آثار راویان نقل نمودند. آشنایی با این طرق و اسناد، فواید علمی متعددی را در پی دارد، در این میان آشنایی با طرق شیخ طوسی در *الفهرست* از اهمیت بیشتری برخوردار است؛ زیرا شیخ طوسی برخلاف نجاشی دارای دو اثر حدیثی ماندگار و مهم؛ یعنی، *تهذیب الاحکام* و *الاستبصار فیما اختلف من الاخبار* است.

شیخ طوسی در این دو کتاب حدیثی، جهت اختصار به حذف اوایل سند پرداخته و واسطه‌ها را تحت ضابطه‌ی خاصی در مشیخه ذکر نموده است که در اصطلاح از آن به طریق تعبیر می‌شود. در مشیخه با دو مشکل مواجه هستیم، یکی ضعف طریق در بعض موارد و دیگری عدم ذکر طریق در بعض راویان و این هر دو موجب ضعف سندی حدیث می‌شود، برای برون‌رفت از این مشکل و راه علاج آن، با استفاده از اسناد و طرق شیخ در *الفهرست* - با ضوابطی - می‌توانیم به تصحیح آن دسته از روایات تهذیب و استبصار که دارای اسناد ضعیف هستند و یا طریقی برای آن‌ها در مشیخه ذکر نشده است، پردازیم. این مقاله درصدد تبیین این مسأله است که چگونه می‌توانیم با استفاده از طریق شیخ در *الفهرست* به تصحیح اسناد و طرق روایات تهذیب و استبصار پردازیم.

کلیدواژه‌ها: طریق، سند، مشیخه، تعویض سند، طوسی، تهذیب الاحکام، الاستبصار، *الفهرست*.

۱. مدرس مرکز تخصصی علوم حدیث و استادیار مرکز تخصصی تفسیر.

بدون تردید شیخ طوسی یکی از بزرگ‌ترین شخصیت‌های علمی است و چه بسا در میان دانشمندان بزرگ جهان تشییع مقام او را حایز است؛ یعنی، پس از مقام ائمه علیهم‌السلام شیخ طوسی مقام و مرتبه‌ی مخصوص به خود دارد. علامه حلی در وصف ایشان نوشته است:

«شیخ الامامیة و وجههم و رئیس الطائفة؛ جلیل القدر؛ عظیم المنزلة؛ ثقة؛ عین؛ صدوق؛ عارف بالاخبار و الرجال و الفقه و الاصول و الکلام و الادب؛ صنف فی کل فنون الاسلام.»^۱

علامه بحر العلوم در معرفی وی می‌نویسد:

«شیخ الطائفة المحقة و رافع اعلام الشریعة الحقة؛ امام الفرقة بعد الائمة المعصومین علیهم‌السلام عماد الشیعة الامامیة فی کل ما يتعلق بالمذهب و الدین؛ محقق الاصول و الفروع و مهذب المعقول و المسموع؛ شیخ الطائفة علی الاطلاق.»^۲

علامه آقابزرگ تهرانی نوشته است:

«بدیهی است که مقام و مرتبه والا و مایه‌ی علمی سرشار شیخ بی‌نیاز از هرگونه تعریف و توصیف است، نویسنده هرچند خود را به زحمت آفکند، یارای درک بیان و شرح منزلت علمی و عملی او را ندارد. علما و شرح حال‌نگارها هرچند در تذکرهايشان با عبارات مدح‌آمیز و تحسین‌انگیز به توصیف کمالات وی پرداخته‌اند؛ نتوانسته‌اند حق عظمت و مقام شامخش را ادا کنند و هرکس در تاریخ و کتب شیعه غور کند و در تألیفات گوناگون علمی شیخ دقت نظر مبذول دارد، در می‌یابد که وی از بزرگ‌ترین علمای دین و پیشوای مجتهدان اسلام و پیش‌آهنگ بنیان‌گذاران جوامع علمی و سرآمد فقیهان شیعه دوازده امامی است.»^۳

از امتیاز بزرگ شیخ طوسی این است که در کنار تعلیم و تدریس و تربیت و پرورش صدها فقیه، مجتهد و صاحب نظر به تألیف و تصنیف نیز اهتمام ویژه‌ای داشت و آثار بسیار سودمند و ماندگار در عرصه‌های مختلف مانند فقه، اصول، کلام، ادعیه، حدیث و رجال از خود به

۱. الخلاصة (رجال علامه حلی)، ص ۷۲.

۲. الفوائد الرجالية (رجال سید بحر العلوم)، ج ۳، ص ۲۲۷.

۳. التبیان فی تفسیر القرآن، شیخ طوسی، ج ۱ (مقدمه).

یادگار گذاشته است و می‌توان گفت سهم شیخ طوسی در علوم اسلامی از همه‌ی دانشمندان شیعه بیشتر است؛ زیرا شیعه چهار مرجع حدیثی^۱ و چهار مرجع رجالی^۲ دارد و سهم شیخ طوسی از این هشت مرجع درست پنج برابر هر شخص دیگری است؛ زیرا دو اصل حدیثی و سه اصل رجالی تألیف شیخ طوسی است؛ یعنی، از هشت اصل معتبر علمی شیعه، شیخ طوسی به تنهایی پنج اصل را نگاه داشته است. اجازات، طرق و اسناد شیخ طوسی نیز از جایگاه علمی بالایی برخوردار بوده و مورد توجه فقیهان و محدثان قرار گرفته است. استاد فقید "عبدالعزیز طباطبایی" در این زمینه می‌نویسد:

«در رشته‌ی اجازات، دانشمندان و سلسله اسناد محدثان شیعه همه به شیخ طوسی منتهی می‌شود و به دور نام او می‌چرخد.»

اجازات را که بررسی می‌کنیم، می‌بینیم هر دانشمندی و هر محدثی که اجازه‌ای برای کسی نوشته، اجازات و روایات و اسانید خود را مختصر یا مفصل تا به شیخ طوسی می‌رساند، بزرگان علما همه به این معنی تصریح دارند. سبب این که شیخ طوسی مدار اسناد و اجازات و محور طرق و روایات قرار گرفته است، معلول چند عامل است:

۱. شخصیت علمی و موقعیت اجتماعی شیخ طوسی؛
۲. تألیف دو کتاب از کتب اربعه‌ی حدیثی؛

۳. تأخر شیخ طوسی از شیخ کلینی و شیخ صدوق؛ (تمام اسناد و اجازات محدثانی که از مشایخشان شروع می‌شود و به بالا می‌رود، ابتدا به شیخ طوسی می‌رسد، طرق و اسانید شیخ هم به کلینی و صدوق معلوم است و لذا اگر اجازات و اسناد خود را تا به شیخ طوسی برسانند، کافی است؛ زیرا از شیخ به بعد واضح و روشن است.)

۴. تألیف سه کتاب از چهار کتاب اصلی رجال شیعه^۳؛ به‌ویژه کتاب الفهرست که طرق و اسانید مصنفات و اصول شیعه و روایات حدیث و اصحاب ائمه‌السلام در آن ضبط و مشخص است.

۱. الکافی، محمد بن یعقوب کلینی؛ من لایحضره الفقیه، شیخ صدوق؛ تهذیب الاحکام، شیخ طوسی؛ الاستبصار فیما اختلف من الاخبار از همین مؤلف.

۲. اختیار معرفة الرجال، محمد بن عمر بن عبدالعزیز کثنی با تلخیص شیخ طوسی؛ فهرست نجاشی، ابوالعباس احمد بن علی بن احمد نجاشی؛ فهرست شیخ طوسی، رجال شیخ طوسی.

۳. یادآوری: رجال کثنی، تألیف محمد بن عمر بن عبدالعزیز کثنی است که شیخ طوسی با عنوان (اختیار معرفة الرجال) به تلخیص و تهذیب آن پرداخته است و آنچه امروز در دسترس است، همین کتاب است، چون اصل رجال کثنی به دست ما

۵. افزودن دو مشیخه بر کتاب تهذیب و استبصار که در آن، طرق و اسانید احادیث و مصنّفات و اصول و کتاب‌های شیعه به طور کامل روشن و مشخص می‌گردد. مجموع این پنج‌وجه که ذکر شد، سبب شده که شیخ الطائفة مرکز اسناد و محور روایات و مجمع اجازات شود.^۱ بر این اساس، طرق و اسناد شیخ طوسی از اعتبار و جایگاه علمی بالایی برخوردار است و دارای نقش کاربردی بسیار ارزشمندی می‌باشد.

تعریف طریق

طریق، در اصطلاح دانش رجال عبارت است از: «الوسائط المتصلة بين الراوى و المروى عنه و يعبر عنه بالسند»؛^۲ یعنی، واسطه‌هایی که اتصال بین راوی و فرد مروی عنه را برقرار می‌کند و از آن به سند نیز تعبیر می‌شود.

گونه‌های طریق

اسناد و طرق، برای احادیث، کتب و اصول به‌کار می‌روند، بر این اساس، استفاده از اصطلاح طریق حدیث، طریق کتاب و طریق اصل در میان رجالیون و محدثان رایج است. **طریق حدیث:** مانند آنچه در مشیخه‌ی شیخ صدوق و مشیخه‌ی شیخ طوسی ملاحظه می‌شود که به طریق شیخ صدوق و طریق شیخ طوسی معروف است. **طریق اصل یا کتاب:** مانند آنچه در فهرست نجاشی و فهرست شیخ طوسی مشهود است.

حالات طریق

تمام ویژگی‌ها و حالت‌های مختلف موجود در اسناد به روایات، در اسناد به اصول و کتاب‌ها نیز وجود دارد، به این معنی:

الف) همان‌گونه که سند حدّ اعتبار حدیث را معین می‌کند، طریق به کتاب و اصل نیز حدّ اعتبار آن‌ها را مشخص می‌سازد.^۱ به عبارت دیگر: همان‌گونه که صحّت سند حدیث موجب

نرسیده و ما هیچ اطلاعی از آن نداریم؛ بدان جهت رجال کثی موجود را از آثار شیخ طوسی به حساب آوردیم. (جهت توضیح بیشتر ر.ک: دانش رجال، ج ۲ از نویسنده.)

۱. ر.ک: میراث اسلامی ایران، دفتر دوم، ص ۳۷۷ و ۳۷۸. (با تلخیص و تصرّف)

۲. مشیخه النجاشی، ص ۸۷

اعتبار و صحت حدیث می‌شود، صحت طریق به اصل و کتاب نیز موجب اعتبار اصل و کتاب می‌شود؛ چنان‌که ضعف سند حدیث موجب ضعف حدیث می‌شود، ضعف طریق به اصل و کتاب نیز موجب بی‌اعتباری اصل و کتاب می‌شود.

ب) شیوه‌های مختلف تحمل و نقل حدیث دقیقاً درباره‌ی کتاب‌ها نیز به‌کار گرفته شده‌اند؛ زیرا اصحاب حدیث به خاطر حفظ اصول و کتاب‌ها از تحریف و تلف، محتوای آن‌ها را به شیوه‌های گوناگون و قابل اعتماد فرا گرفته و به دیگران انتقال می‌داده‌اند.

ج) چنان‌که سند حدیث با مشکلاتی مانند ارسال، سقط (افتادگی) و تصحیف مواجه است، در طریق به اصل و کتاب نیز چنین اتّفاقی می‌افتد.

د) صحت طریق دلیل بر وثاقت ذی‌الطریق نیست؛ چنان‌که ضعف طریق دلیل بر ضعف ذی‌الطریق نیست؛ به‌عنوان مثال، اگر طریق شیخ طوسی یا شیخ صدوق به محمد بن سنان صحیح بود، نمی‌تواند دلیل بر وثاقت محمد بن سنان باشد؛ چنان‌که اگر طریق این دو بزرگوار به زراره ضعیف بود، دلیل بر ضعیف بودن زراره نیست. علامه تستری با اشاره به این نکته می‌نویسد: «فان الطريق غیر ذی‌الطریق فکم ثقة طریقہ ضعیف و کم ضعیف طریقہ صحیح»^۲

طریق شیخ در «الفهرست»

یکی از انگیزه‌های "شیخ طوسی" در تألیف کتاب الفهرست یادآوری آثار علمی راویان و اصحاب ائمه علیهم‌السلام و معرفی تصنیفات شیعه بوده است. وی در مقدمه کتاب می‌نویسد:

«گروهی از اصحاب ما از بزرگان امامیه که صاحب تصنیف و تألیف بودند، به فهرست‌نگاری و ثبت تألیفات و آثار علمی پیشینیان برآمدند؛ ولی کار جامع و کاملی در این زمینه انجام نگرفته است و نیافتم کسی را که به صورت مستوفی به جمع‌آوری و فهرست نمودن مصنفات و اصول اصحاب ائمه علیهم‌السلام پرداخته باشد؛ مگر آنچه را که احمد بن حسین بن عبیدالله (معروف به ابن غضائری) انجام داده است؛ زیرا ایشان با نوشتن دو کتاب که در یکی به معرفی مصنفات

۱. یادآوری: این موضوع مورد قبول همگان نیست؛ بلکه بعضی‌ها با کلیت آن مخالف هستند؛ ولی از باب قضیه‌ی مجبه جزئیه محلّ اتّفاق است.

۲. قاموس الرجال، ج ۱، ص ۱۹۰، رقم ۱۱۰.

اصحاب امامیه پرداخته است و در دیگری به اصول آنان؛ به خوبی توانسته است، حق مطلب را ادا نماید؛ و لکن این دو کتاب قبل از آن که به وسیله اصحاب ما (علمای امامیه) استنساخ گردد و نسخه برداری شود، به دست بعضی از وراث او از بین رفته و تلف شده‌اند؛ بدان جهت وظیفه‌ی خویش دانستم تا کتابی تألیف بنمایم و در آن به معرفی و شناسایی اصول و مصنّفات اصحاب ائمه علیهم السلام و علمای امامیه بپردازم و هیچ‌گاه مدّعی نیستم که به همه‌ی اصول و مصنّفات اصحاب دست یافته‌م و آن‌ها را استیفا نمودم؛ زیرا تصنیفات اصحاب و اصول آنان به جهت پراکندگی در شهرها و سرزمین‌های دور، قابل گردآوری نیستند؛ هر چند که تمام کوشش خود را برای دستیابی به آن‌ها به کار می‌گیرم و آن را تا حدّ توان و وسع خود پیگیری می‌نمایم.^۱

بدان جهت در ترجمه‌ی هر فردی با تعبیر «له اصل؛ له کتاب؛ له نسخه و له نوادر» به تألیفات وی اشاره نموده است و در مجموع بیش از نهصد نفر از مصنّفان و اصل‌نویسان و بیش از دو هزار کتاب از اصول و مصنّفات شیعه را در الفهرست نام برده است.^۲ «شیخ طوسی» بر اساس ضوابط فهرست‌نگاری، در معرفی اصول و مصنّفات راویان و اصحاب ائمه علیهم السلام اسناد و طرق خود را به مؤلفان و تألیفاتشان ذکر کرده است، از باب نمونه در ترجمه ابان بن عثمان می‌نویسد:

«له اصل؛ اخبرنا به عدّة من اصحابنا عن ابی المفضل محمد بن عبدالله الشیبانی عن ابی جعفر محمد بن جعفر بن بطّة عن احمد بن محمد بن عیسی عن محسن بن احمد عن ابان.»

و در ترجمه‌ی احمد بن محمد بن عیسی اشعری قمی می‌نویسد:

«و صنف کتاباً منها: کتاب التوحید؛ کتاب فضل النبی صلی الله علیه و آله؛ کتاب المتعه؛ کتاب النوادر؛ کتاب الناسخ و المنسوخ. اخبرنا بجمیع کتبه و روایاته؛ عدّة من اصحابنا منهم: الحسین بن عبیدالله و ابن ابی جید عن العطار عن ابیه و سعد بن عبدالله عنه.»

۱. الفهرست، ص ۴.

۲. بازشناسی منابع اصلی رجال شیعه، ص ۲۱۲؛ دانش رجال، ج ۲، ص ۱۳۷.

و اخبرنا عدة من اصحابنا عن احمد بن محمد بن الحسن بن الوليد عن ابيه عن

محمد بن الحسن الصفار و سعد جميعاً عن احمد بن محمد بن عيسى.»

چنان‌که ملاحظه گردید شیخ طوسی بعد از یادآوری آثار و تألیفات راوی، طریق خود را به آن آثار و کتاب‌ها ذکر کرده است. مهم‌ترین فایده‌ی ذکر طریق در این نوع کتاب‌ها اثبات انتساب اصول و کتاب‌ها به نویسندگان آن‌ها بوده است.

طریق شیخ در «تهذیب» و «استبصار»

کتاب تهذیب الاحکام و الاستبصار فیما اختلف من الاخبار دو اثر مهم حدیثی "شیخ طوسی" است که از جمله کتب اربعه‌ی حدیثی شیعه محسوب می‌گردد و در میان فقها و محدثان از اعتبار بالایی برخوردار است.

روش محدثان بر این بوده است که احادیث را با سند نقل می‌نمودند، چون یکی از طرق رایج در تشخیص اعتبار و عدم اعتبار حدیث و پی‌بردن به صحت و سقم آن، تحلیل و ارزیابی سند آن است؛ بدان جهت تأکید فراوانی بر نقل حدیث با سند شده است؛ به عنوان مثال پیامبر اکرم ﷺ فرموده است: «حدیث را با سند بنویسید؛ پس اگر بر حق بود، شما در اجر آن شریک هستید و اگر بر باطل (دروغ) بود، گناهِش به گردن گوینده‌اش است^۱ (و شما گناه‌کار نیستید)». نظیر همین تأکید از دیگر معصومان هم چون امام علی و امام باقر علیهما السلام نیز وارد شده است.^۲ بر این اساس، شیوه‌ی شیخ طوسی در این دو کتاب بر نقل حدیث با سند بوده است؛ ولیکن جهت اختصار به تلخیص اسناد پرداخت، به این صورت که روایات را با سند کامل نقل نکرده است؛ بلکه اوایل بسیاری از اسانید را حذف کرده و سند را به صورت معلق^۳ از صاحبان کتب شروع می‌کند.

در اول مشیخه‌ی تهذیب الاحکام می‌نویسد:

«و اقتصرنا من ایراد الخبر علی الابتداء بذكر المصنف الذی أخذنا من کتابه او من

صاحب الاصل الذی أخذنا الحدیث من اصله.»

۱. میزان الاعتدال، ج ۴، ص ۹۸.

۲. الکافی، ج ۱، ص ۴۲، ح ۷؛ جامع احادیث الشیعه، ج ۱، ص ۱۲۸، ح ۱۰۴.

۳. حدیث معلق به حدیثی گفته می‌شود که از اول سند آن یک راوی یا بیشتر حذف شده باشد. (شهید ثانی می‌نویسد: و

هو ما حذف من مبدا اسناده، واحد او اکثر، الرعاية، ص ۱۰۱).

در نقل حدیث تنها به ذکر مؤلف اصل و کتاب بسنده کردیم و حدیث را با نام وی آغاز کردیم. و در اوّل مشیخی استبصار نوشته است:

«و كنت سلكت في أوّل الكتاب إيراد الاحاديث باسانيدها و على ذلك اعتمدت في الجزء الأوّل و الثاني ثمّ اختصرت في الجزء الثالث و عولت على الابتداء بذكر الراوي الذي أخذت الحديث من كتابه او اصله.»

در اوّل کتاب حدیث را با سند کامل نقل می‌کردیم و این روش را در جزء اوّل و دوم ادامه دادیم؛ ولی از جزء سوم به بعد به تلخیص سند پرداخته و تنها به نام راوی که حدیث را از کتاب و اصل وی گرفتیم، اکتفا کردیم. برای رفع این تعلیق بابی را در آخر کتاب تحت عنوان المشیخه باز نموده است و طریق خود را به صاحبان اصول و کتبی که از آنها استفاده کرده و نقل حدیث نموده مشخص و واسطه‌های حذف شده را معین کرده است. این مجموعه که در واقع بیانگر طرق شیخ به منابع مورد استفاده اوست؛ مشیخه نام دارد. در مقدمه‌ی مشیخه تهذیب الاحکام نوشته است:

«و الآن فحيث وفق الله تعالى للفرغ من هذا الكتاب؛ نحن نذكر الطرق التي بها تتوصل الى رواية هذه الاصول و المصنّفات و نحن نذكر على غاية ما يمكن من الاختصار؛ ليخرج الاخبار عن حدّ المراسيل و يلحق بباب المسندات.»^۱ و الان که خداوند متعال مرا موفق به اتمام کتاب نمود و آن را به پایان رساندم، طرق و اسانید خود را به اصول و مصنّفاتی که احادیث را از آنها نقل نمودم، در نهایت اختصار ذکر می‌نمایم تا از ارسال خارج گردد و به احادیث مسند ملحق گردد و در آخر مشیخه می‌نویسد: «و قد اوردت جملة من الطرق الى هذه المصنّفات و الاصول و لتفصيل ذلك شرح يطول و هو مذكور في الفهارس المصنّفه في هذا الباب للشيوخ رحمهم الله و من اراده أخذه من هناك ان شاء الله و قد ذكرناه نحن مستوفى في كتاب فهرست الشيعة.»

یعنی، در این‌جا، بخشی از طرق و اسناد به این مصنّفات و اصول را آورد و تفصیل آنها که شرح طولانی را می‌طلبد، در کتاب‌های فهرست ذکر شده است و ما نیز شرح و تفصیل این

۱. تهذیب الاحکام، ج ۱۰، ص ۴.

اسناد و طرق را به طور کامل در کتاب *فهرست الشیعه* آورده‌ایم.^۱ نیز در آخر کتاب *استبصار* نوشته است:

«علی ان اورد عند الفراغ من الكتاب جملة من الاسانید التي يتوصل بها الی هذه الكتب و الاصول و قد اوردت جملا من الطرق الی هذه المصنّفات و الاصول و لتفصیل ذالك شرح يطول و هو مذکور فی *فهارس الشیوخ*. فمن اراد وقف علیه من هناک.»^۲

الآن که از نوشتن کتاب فارغ شدم و آن را به پایان رساندم، طرق و اسانید خود را به اصول و مصنّفات اصحاب که روایات را از آن‌ها نقل کردم، ذکر می‌نمایم و تنها بخشی از اسناد و طرق به این مصنّفات و اصول را آوردم و تفصیل آن‌که شرح طولانی می‌طلبد، در فهرست‌های شیوخ و اسانید ذکر شده است، علاقه‌مندان می‌توانند تفصیل اسناد را در آن‌جا بیابند؛ بنابراین، کتاب *فهرست* و *مشیخه* هر دو مشتمل بر طرق شیخ طوسی به صاحبان اصول و کتب هستند، با این تفاوت که تنها برخی از طرق خود را در *مشیخه‌ی تهذیب* و *استبصار* معرفی کرده و تفصیل آن را به کتاب *الفهرست* ارجاع داده است.

تعویض سند

بختی که در این‌جا مطرح شده این است: آیا می‌توان اسناد مختلف شیخ طوسی به یک راوی را که در این کتاب‌ها (*تهذیب*، *استبصار*، *الفهرست*) آمده است، با یکدیگر تعویض نمود و سندی را جایگزین سند دیگر کرد؟

گفتنی است که هدف از این تعویض و جایگزینی؛ جایگزین کردن اسناد معتبر به جای اسناد ضعیف و در نتیجه تصحیح روایات *تهذیب* و *استبصار* است. شهید سید محمدباقر صدر در تعریف تعویض سند می‌نویسد:

«دخل و تصرف در سندی که نکته‌ی ضعیفی در آن هست و تبدیل آن به سندی دیگر را تعویض گویند؛ خواه این ضعف در اوّل سند باشد یا به قسمت دوم آن برگردد یا به اعتبار ضعف تمام سند باشد.»^۳

۱. همان، ص ۸۸.

۲. *الاستبصار*، شیخ طوسی، ج ۴، ص ۳۴۲.

۳. *مباحث الاصول*، ج ۳، ص ۲۳۸.

بر اهل تحقیق پوشیده نیست که این بحث (تعویض سند معتبر به جای سند ضعیف) بر مبنای لزوم نقد اسناد و طرق تهذیب و استبصار مبتنی است؛ ولی بر مبنای عدم لزوم نقد اسناد کتب اربعه، چه به جهت صحّت یا اعتبار تمام احادیث آنها چنانکه اخباری‌ها عقیده دارند و چه به جهت تیمنی بودن اسناد و طرق مشیخه به خاطر شهرت کتاب‌ها و مصادر شیخ طوسی چنانکه بعضی از بزرگان از جمله آیت‌الله بروجردی عقیده دارد، این بحث دیگر جای طرح ندارد؛ زیرا بر این مبنا ضعف و قوت اسناد، در ارزیابی روایات نقشی ندارد.

صور تعویض

برای تعویض سند می‌توان وجوه و صور گوناگونی را فرض کرد؛ از جمله:

الف) تعویض سند تهذیبین با سند فهرست؛

ب) تعویض سند شیخ طوسی با سند نجاشی؛

ج) تعویض سند شیخ طوسی با سند شیخ صدوق.^۱

در این نوشته تنها به توضیح و تفسیر صورت اول پرداخته می‌شود و تبیین صورت دوم و سوم را به فرصت دیگر موکول می‌نماییم.

تصحیح اسناد روایات تهذیبین به کمک اسناد فهرست^۲

شناخت اسناد و طرق "شیخ طوسی" به کتب و اصول در الفهرست نقش کاربردی فراوانی در تصحیح و اعتبار بخشی احادیث تهذیب و استبصار دارد که در ادامه به آنها اشاره می‌شود.

۱. مواردی وجود دارد که طریق شیخ در مشیخه ضعیف؛ ولی در فهرست صحیح است، از

نمونه‌های آن طریق شیخ به ابن ابی عمیر است که به بررسی آن می‌پردازیم.

الف) طریق شیخ به ابن ابی عمیر در مشیخه

ابن ابی عمیر از راویان معروفی است که روایات بسیاری از وی در کتب اربعه‌ی حدیثی نقل شده است.

نام این راوی حدود ۲۱۹۴ مرتبه در اسناد روایات تهذیب و حدود ۹۰۷ مرتبه در اسناد روایات استبصار تکرار شده است، در نتیجه شیخ طوسی با سند خود، احادیث فراوانی را از

۱. رک: القضاء فی فقه الاسلامی، ص ۵۲ - ۶۵.

۲. برای اطلاع بیشتر و تفصیل بحث رک: اصول علم الرجال، ج ۱، ص ۱۶۲؛ بازشناسی منابع اصلی، رجال شیعه، ص ۲۳۳؛ دانش رجال، ج ۱، ص ۲۲۳؛ مباحث الاصول، ج ۳، ص ۲۳۸ - ۲۶۱؛ القضاء فی فقه الاسلامی، ص ۵۲ - ۵۶؛ تحریر المقال فی علم الرجال، ص ۱۲۹ - ۱۳۹؛ مجله‌ی قضاایا الاسلامیة الجدید فی علمی الدراییة و الرجال عند الشهدید الصدر.

این راوی در تهذیب و استبصار نقل نموده است و در مشیخه، درباره‌ی طریق خود به وی نوشته است:

«و ما ذکرته عن ابن ابی عمیر فقد رویته بهذا الاسناد عن ابی القاسم بن قولویه عن ابی القاسم جعفر بن محمد العلوی الموسوی عن عبدالله بن احمد بن نهیک عن ابن ابی عمیر.»^۱

مقصود شیخ از بهذا الاسناد؛ ابو عبدالله و حسین بن عبدالله است که در سند قبلی آمده است (و ما ذکرته عن ابی القاسم جعفر بن محمد بن قولویه؛ فقد اخبرنی به الشیخ ابو عبدالله و الحسین بن عبدالله جمیعاً عن جعفر بن محمد بن قولویه)؛ بنابراین، طریق کامل شیخ به ابن ابی عمیر در مشیخه چنین است: عن ابی عبدالله و الحسین بن عبدالله جمیعاً عن ابی القاسم بن قولویه عن ابی القاسم جعفر بن محمد العلوی الموسوی عن عبدالله بن احمد بن نهیک عن ابن ابی عمیر.

بررسی طریق

ابو عبدالله: محمد بن محمد بن نعمان معروف به "شیخ مفید" از مشایخ معروف شیخ طوسی (امامی ثقة)

حسین بن عبدالله: حسین بن عبدالله غضائری از مشایخ دیگر شیخ طوسی (امامی ثقة)

ابوالقاسم بن قولویه: جعفر بن محمد بن قولویه؛ صاحب کتاب کامل الزیارات (امامی ثقة)

جعفر بن محمد العلوی الموسوی (مجهول الحال)

عبدالله (عبدالله) بن احمد بن نهیک (الشیخ الصدوق، ثقة)^۲

مرحوم کلباسی معتقد است، این طریق به جهت جعفر بن محمد علوی ضعیف است، چون مدح و ذمّی درباره‌ی وی در کتب رجالی نرسیده و از مجهولین به حساب می‌آید.^۳ (فان فی الطریق جعفر بن محمد العلوی و لم یذکر فیه قدح و لا مدح فی کتب القدماء من الرجالین).^۱

۱. تهذیب الاحکام، ج ۱۰، ص ۷۹. (المشیخة)

۲. رجال نجاشی، ص ۲۳۲، ش ۶۱۵.

۳. آیت‌الله خویی، جعفر بن محمد بن علوی موسوی را به جهت آنکه در اسناد کتاب کامل الزیارات واقع شده؛ توثیق نموده است و در نتیجه حکم به صحت طریق شیخ به ابن ابی عمیر در مشیخه داده است؛ ولی از آنجایی که نظریه‌ی (توثیق تمام راویان اسناد کامل الزیارات) قابل اثبات نیست؛ بلکه نهایت چیزی که بتوان از عبارت ابن قولویه در مقدمه‌ی کتاب

طریق شیخ به ابن ابی عمیر در «الفهرست»

"شیخ طوسی" در کتاب الفهرست ذیل عنوان محمد بن ابی عمیر با عبارت «و کان من اوثق الناس عند الخاصة و العامة و انسکهم نسکا و اورعهم و اعبدهم ... و له مصنفات کثیرة»، وی را توصیف و بعد از یادآوری تألیفات او، طرق خود به اصول و مصنفات ابن ابی عمیر را ذکر نموده و می نویسد:

«اخبِرنا بجمیع کتبه و روایاته جماعة عن محمد بن علی بن الحسین عن ابيه و محمد بن الحسن عن سعد بن عبدالله و الحمیری عن ابراهیم بن هاشم عن محمد بن ابی عمیر. و اخبِرنا بها ابن ابی جید عن ابن الولید عن الصقار عن یعقوب بن یزید و محمد بن الحسین و ایوب بن نوح و ابراهیم بن هاشم و محمد بن عیسی بن عبید عن ابن ابی عمیر.»^۲

چنانکه ملاحظه می شود، شیخ طوسی به کتب و روایات ابن ابی عمیر طرق متعددی دارد که با استفاده از قاعده‌ی تحویل در سند، آن‌ها را ذکر نموده است که تفصیل آن به شرح زیر می باشد:

طریق اول: جماعة عن محمد بن علی بن الحسین عن ابيه عن سعد بن عبدالله عن ابراهیم بن هاشم عن ابن ابی عمیر؛

طریق دوم: جماعة عن محمد بن علی بن الحسین عن ابيه عن الحمیری عن ابراهیم بن هاشم عن ابن ابی عمیر؛

طریق سوم: جماعة عن محمد بن علی بن الحسین عن محمد بن الحسن عن سعد بن عبدالله عن ابراهیم بن هاشم عن ابن ابی عمیر؛

طریق چهارم: جماعة عن محمد بن علی بن الحسین عن محمد بن الحسن عن الحمیری عن ابراهیم بن هاشم عن ابن ابی عمیر؛

استفاده نمود، وثاقت مشایخ بلاواسطه وی می باشد. علاوه بر این که آیت الله خویی در اواخر عمر از این نظریه برگشت؛ چنانکه بعضی شاگردان و مقررین مباحث فقهی ایشان تصریح نمودند، در نتیجه، جعفر بن محمد بن علوی وضع نامعلومی خواهد داشت و طریق شیخ در مشیخه ضعیف خواهد بود؛ چنانکه "علامه کلباسی" تصریح کرده است.

یادآوری: در نرم افزار درایة التور؛ استظهار وثاقت جعفر بن محمد علوی شده و نوشته است. (امامی نقه علی الظاهر)

۱. سماء المقال، ج ۱، ص ۱۰۸.

۲. الفهرست، ص ۴۰۵، ش ۶۱۸.

طریق پنجم: ابن ابی جید عن ابن الولید عن الصفّار عن یعقوب بن یزید عن ابن ابی عمیر؛
 طریق شش: ابن ابی جید عن ابن الولید عن الصفّار عن محمد بن الحسین عن ابن ابی عمیر؛
 طریق هفتم: ابن ابی جید عن ابن الولید عن الصفّار عن ایوب بن نوح عن ابن ابی عمیر؛
 طریق هشتم: ابن ابی جید عن ابن الولید عن الصفّار عن ابراهیم بن هاشم عن ابن ابی عمیر؛
 طریق نهم: ابن ابی جید عن ابن الولید عن الصفّار عن محمد بن عیسی عن ابن ابی عمیر.

بررسی طریق

۱. جماعة

شیخ طوسی در بسیاری از اسناد و طرق به اصول و مصنّفات؛ عبارت «عدّة» یا «جماعة» را به کار برده است.^۱ ممکن است، بعضی تصوّر کنند که همین امر موجب ضعف طریق می گردد؛ زیرا افرادی که در این «عدّة» و «جماعة» هستند، مجهول و ناشناخته اند؛ در حالی که این تصوّر درست نیست؛ زیرا قرآینی وجود دارد، مبنی بر این که مراد شیخ از این عبارت، شیخ مفید و دیگر مشایخ معروف ایشان است، از جمله قرآین موارد ذیل است:

در ترجمه‌ی احمد بن حسن اسفرائینی می نویسد:

«اخبّرنا عدّة من اصحابنا؛ منهم الشیخ ابو عبدالله محمد بن محمد بن النعمان المفید

و الحسین بن عبیدالله و احمد بن عبدون و غیرهم.»^۲

و نیز در ترجمه جعفر بن محمد بن قولویه نوشته است: «ابو عبدالله محمد بن محمد بن النعمان المفید و الحسین بن عبیدالله و احمد بن عبدون و غیرهم.»^۳

«اخبّرنا جماعة؛ منهم الشیخ ابو عبدالله محمد بن محمد بن النعمان المفید و الحسین

بن عبیدالله و احمد بن عبدون و غیرهم.»^۳

افزون بر این که در سند مورد بحث، «جماعة عن محمد بن علی بن الحسین...» مراد شیخ طوسی از «جماعة» افرادی مانند: شیخ مفید، حسین بن عبیدالله غضائری، جعفر بن حسن بن حسکه، محمد بن سلیمان حمرانی (حمدانی) است که در طریق شیخ طوسی به کتب و روایات شیخ صدوق قرار گرفته اند.

۱. رک: الفهرست، ش ۶، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۳۳، ۹۲، ۱۱۷، ۱۴۱ و... .

۲. الفهرست، ص ۶۷، رقم ۸۴.

۳. همان، ص ۱۰۹، رقم ۱۴۱.

شیخ طوسی در ترجمه‌ی محمد بن علی بن الحسین بن بابویه معروف به "شیخ صدوق" بعد از یادآوری آثار علمی وی می‌نویسد: «اخیرنا بجمیع کتبه و روایاته جماعة من اصحابنا منهم الشیخ المفید و الحسین بن عبدالله و ابوالحسین جعفر بن الحسن بن حسکه القمی و ابوزکریا محمد بن سلیمان الحمرازی (الحمدانی)»^۱؛ بنابراین، با علم به وجود شخصیتی چون شیخ مفید در میان «جماعة» و وثاقت وی دیگر نیازی به شناخت سایر افراد «جماعة» نیست.

۲. محمد بن علی بن الحسین بن بابویه (معروف به شیخ صدوق).

«كان جليلاً؛ حافظاً للاحادیث؛ بصيراً بالرجال؛ ناقداً للاخبار؛ لم ير فی القمیین مثله فی حفظه و كثرة علمه.»^۲

۳. ابيه (علی بن الحسین بن موسی بن بابویه؛ پدر شیخ صدوق).

«شیخ القمیین فی عصره و متقدمهم و فقیههم و ثقتهم.»^۳

۴. محمد بن الحسن: (محمد بن الحسن بن احمد بن الولید).

«شیخ القمیین و فقیههم و متقدمهم و وجههم؛ ثقة؛ ثقة؛ عین؛ مسکون الیه.»^۴

۵. سعد: (سعد بن عبدالله بن ابی خلف الأشعری القمی)

«جلیل القدر؛ واسع الاخبار؛ کثیر التصانیف؛ ثقة.»^۵

۶. الحمیری: (عبدالله بن جعفر الحمیری).

«شیخ القمیین و وجههم؛ ثقة.»^۶

۷. ابراهیم بن هاشم: ابراهیم بن هاشم القمی.

«اول من نشر احادیث الکوفیین بقم؛ ثقة.»^۷

۱. الفهرست، ص ۴۴۲، رقم ۷۱۰.

۲. همان، ص ۴۴۴، رقم ۷۱۰.

۳. رجال نجاشی، ص ۲۶۱، ۶۸۴.

۴. الفهرست، ص ۳۸۳، رقم ۱۰۴۲.

۵. همان، ص ۱۷۷، رقم ۴۶۷.

۶. رجال نجاشی، ص ۲۱۹، رقم ۵۷۳.

۷. الفهرست، ص ۲۹۴، رقم ۴۴۰.

۸. رجال نجاشی، ص ۱۶، رقم ۱۸.

۹. معجم رجال الحدیث، ج ۱، ص ۳۱۷، رقم ۳۳۲.

۸. ابن ابی جید: (علی بن احمد بن محمد بن ابی جید)

«من مشایخ النجاشی؛ ثقة»^۱

۹. ابن الولید: (محمد بن الحسن بن احمد بن الولید) وصف او در شماره (۴) گذشت.

۱۰. الصفار: (محمد بن حسن بن فروخ صفار).

«كان وجهها في اصحابنا القميين؛ ثقة؛ عظيم القدر؛ راجحاً؛ قليل السقط في الرواية»^۲

۱۱. یعقوب بن یزید

«روی عن ابی جعفر الثاني عليه السلام و كان ثقة؛ صدوقاً»^۳

۱۲. محمد بن الحسین: (محمد بن الحسین بن ابی الخطاب).

«جليل من اصحابنا؛ عظيم القدر؛ كثير الرواية؛ ثقة؛ عين؛ حسن التصانيف؛ مسكون

الى روايته»^۴

۱۳. ایوب بن نوح

«كان وكيلا لابي الحسن و ابی محمد عليه السلام؛ عظيم المنزلة عندهما؛ مامونا و كان

شديد الورع كثير العبادة ثقة في رواياته»^۵

۱۴. محمد بن عیسی بن عبید

«جليل في اصحابنا؛ ثقة؛ عين؛ كثير الرواية؛ حسن التصانيف»^۶

بنابراین، تمام کسانی که در طریق شیخ طوسی به ابن ابی عمیر واقع شدند، افرادی ثقه و جلیل القدر هستند، در نتیجه طرق شیخ طوسی به ابن ابی عمیر در کتاب الفهرست صحیح است. با استفاده از قاعده‌ی تعویض سند می‌توانیم به تصحیح اسناد روایاتی را که شیخ طوسی به واسطه‌ی آنها از ابن ابی عمیر در دو کتاب تهذیب الاحکام و الاستبصار نقل نموده است، بپردازیم.

۱. همان، ج ۱۱، ص ۳۵۳، رقم ۷۸۹۸.

۲. رجال نجاشی، ص ۳۵۴، رقم ۹۴۸.

۳. همان، ص ۴۵۰، رقم ۱۲۱۵.

۴. همان، ص ۳۳۴، رقم ۸۹۷.

۵. همان، ص ۱۰۲، رقم ۲۵۴.

۶. همان، ص ۳۳۳، رقم ۸۹۶.

ب) طریق شیخ طوسی به محمد بن علی بن محبوب

شیخ در تهذیب و استبصار با سند خود روایاتی را از محمد بن علی بن محبوب نقل نموده است، حدود ۱۱۷۵ مورد و در المشیخه درباره‌ی طریق خود به محمد بن علی بن محبوب می‌نویسد:

«و ما ذکرته فی هذا الكتاب عن محمد بن علی بن محبوب؛ فقد اخبرنی به الحسین بن عبيدالله عن احمد بن محمد بن يحيى العطار عن ابيه محمد بن يحيى عن محمد بن علی بن محبوب»^۱

بررسی طریق

الحسین بن عبيدالله: (ابوعبدالله؛ حسین بن عبيدالله بن ابراهيم غضائری) آیت‌الله خویی می‌نویسد:

«لاينبغي التردد في وثاقة الرجل لا من جهة توثيق ابن طاووس و بعض من تأخر عنه اياه و لا من جهة انه كثير الرواية او انه شيخ الاجازة فانه لاعبرة بشيء من ذلك على ما عرفت بل من جهة انه شيخ النجاشي و جميع مشايخه ثقات»^۲

احمد بن محمد بن يحيى العطار: شیخ طوسی در کتاب الرجال در باب من لم یرو عنهم عليه السلام؛ وی را عنوان نموده و می‌نویسد:

«روی عنه؛ التلعكبري و اخبرنا عنه الحسين بن عبيدالله و ابوالحسين بن ابی جید القمی و سمع منه سنة ۳۵۶ و له منه اجازة»^۳

از آنجایی که توثیق صریح از قدما درباره‌ی احمد بن محمد بن يحيى نرسیده است، شاهد دیدگاه‌های متفاوتی نسبت به وی از جانب دانشمندان هستیم. بعضی‌ها اعتقاد به وثاقت ایشان پیدا کرده و به روایات او عمل کردند و بعضی‌ها به مجهول بودن او تصریح نموده و روایات او را تضعیف کردند.

آیت‌الله خویی در ترجمه‌ی احمد بن محمد بن يحيى می‌نویسد:

«و كيف كان فقد اختلف في حال الرجل؛ فمنهم من اعتمد عليه و لعله الاشهر».

۱. تهذیب الاحکام، ج ۱۰، ص ۷۲ (المشیخه).

۲. معجم رجال الحديث، ج ۶، ص ۲۰، رقم ۳۴۸۱.

۳. رجال طوسی، ص ۴۱۰، رقم ۵۹۵۵.

سپس ادله‌ی چهارگانه‌ای را بر وثاقت احمد بن محمد بن یحیی اقامه می‌کند و همه‌ی آن‌ها را تضعیف و رد می‌نماید و در پایان می‌نویسد:

«فالمحصل مما ذكرناه؛ ان الرجل مجهول؛ كما صرح به جمع منهم صاحب

المدارك.»^۱

ایبه (محمد بن یحیی؛ ابوجعفر الطّار القمی)

نجاشی درباره‌ی او می‌نویسد:

«شیخ اصحابنا فی زمانه ثقة عین کثیر الحدیث.»^۲

بنابراین، طریق شیخ طوسی به محمد بن علی بن محبوب در مشیخه به جهت آن‌که (احمد بن محمد بن یحیی) در آن قرار گرفته ضعیف است؛ چنان‌که آیت‌الله خویی به آن تصریح نموده است؛^۳ ولی طریق شیخ طوسی به محمد بن علی بن محبوب در الفهرست صحیح است.

شیخ در الفهرست ذیل عنوان: محمد بن علی بن محبوب الاشعری القمی می‌نویسد:

«له كتب و روايات... اخبرنا بجميع كتبه و رواياته:

الحسين عبيدالله و ابن ابی جید عن احمد بن محمد بن یحیی عن ایبه عن محمد بن

علی بن محبوب. و اخبرنا جماعه عن ابی المفضل عن ابن بطه عن محمد بن علی بن

محبوب. و اخبرنا جماعه عن محمد بن علی بن الحسين عن ایبه و محمد بن الحسن

عن احمد بن ادريس عن محمد بن علی بن محبوب.»^۴

بررسی طریق

چنان‌که ملاحظه می‌شود، شیخ طوسی به کتب و روایات محمد بن علی بن محبوب پنج

طریق ذکر نموده است.

طریق اول: الحسين بن عبيدالله عن احمد بن محمد بن یحیی عن ایبه عن محمد بن علی بن

محبوب.

۱. معجم رجال الحدیث، ج ۲، ص ۳۲۸ - ۳۳۰.

۲. رجال نجاشی، ص ۳۵۳، رقم ۹۴۶.

۳. معجم رجال الحدیث، ج ۱۷، ص ۸ (و الطریق - ای طریق الصدوق الی محمد بن علی بن محبوب - کطریق الشیخ الیه صحیح

فی الفهرست دون المشیخة).

۴. الفهرست، ص ۴۱۱، رقم ۶۲۴.

الحسین بن عبیدالله: حسین بن عبیدالله غضائری است و توثیق دارد. (چنان‌که گذشت).
احمد بن محمد بن یحیی: مختلف فیه است و جمعی از جمله آیت‌الله خویی وی را
مجهول‌الحال دانستند. (چنان‌که گذشت)

ابیه: محمد بن یحیی العطار القمی و توثیق دارد. (چنان‌که گذشت).
این طریق، به جهت (احمد بن محمد بن یحیی) ضعیف است.

طریق ۱۵۵: ابن ابی جید عن احمد بن محمد بن یحیی عن ابیه عن محمد بن علی بن محبوب.
مراد از ابن ابی جید؛ ابوالحسین علی بن احمد بن محمد بن ابی جید القمی از مشایخ نجاشی
است و توثیق دارد.^۱

این طریق نیز به جهت احمد بن محمد بن یحیی ضعیف است.
طریق سوم: جماعه عن ابی المفضل عن ابن بطة عن محمد بن علی بن محبوب.
جماعه: (شرح آن گذشت).

ابوالمفضل: (محمد بن عبدالله بن محمد بن عبیدالله؛ ابوالفضل الشیبانی)
نجاشی درباره‌ی او نوشته است:

«کان سافر فی طلب الحدیث عمره و کان فی اوّل امره ثباتاً ثمّ خلط و رایت جل
اصحابنا یغمزونه و یضعفونه»^۲

شیخ طوسی نوشته است:
«کثیر الروایة؛ حسن الحفظ غیر انه ضعفه جماعه من اصحابنا»^۳

ابن بطة: (محمد بن جعفر بن احمد بن بطة؛ المودب؛ ابوجعفر القمی)
نجاشی در معرفی وی نوشته است:

«کان کبیر المنزلة بقم؛ کثیر الادب و الفضل و العلم یتساهل فی الحدیث و یعلق
الاسانید بالاجازات و فی فهرست ما رواه غلط کثیر»
و قال ابن الولید:

«کان محمد بن جعفر بن بطة ضعیفاً مخلطاً فیما یسنده»^۱

۱. رک: معجم رجال الحدیث، ج ۲۲، ص ۹۵، رقم ۱۴۹۷۱ و ج ۱۱، ص ۲۵۳، رقم ۷۸۹۹.

۲. رجال نجاشی، ص ۳۹۶، رقم ۱۰۵۹.

۳. الفهرست، ص ۴۰۱، رقم ۶۱۱.

آیت‌الله خویی می‌نویسد:

«و كيف كان فالرجل ضعيف لا يعتمد على روايته؛ فان التساهل في الحديث على ما ذكره النجاشي و ضعفه و تخليطه فيما يسنده على ما ذكره ابن الوليد يمنعان عن الاعتماد على قوله و لا ينافي ذلك كثرة ادبه و فضله و علمه و كبر منزلته فان ذلك امر و الوثاقه في الحديث امر اخر.»^۲

این طریق نیز ضعیف است.

طریق چهارم: جماعة عن محمد بن علی بن الحسین عن ابيه عن احمد بن ادريس عن محمد بن علی بن محبوب.

جماعة: (شرح آن گذشت.)

محمد بن علی بن الحسین: (شرح آن گذشت.)

ایه: (شرح آن گذشت.)

احمد بن ادريس: (ابوعلی؛ احمد بن ادريس اشعری قمی)

نجاشی درباره‌ی او نوشته است:

«كان ثقة؛ فقيها في اصحابنا؛ كثير الحديث؛ صحيح الرواية.»^۳

این طریق نیز صحیح است.

طریق پنجم: جماعة عن محمد بن الحسن بن احمد بن ادريس عن محمد بن علی بن

محبوب.

جماعة: (گذشت)

محمد بن الحسن: (محمد بن الحسن بن احمد بن الوليد؛ معروف به ابن ولید)

استاد معروف شیخ صدوق و دارای توثیق (چنان‌که گذشت)

احمد بن ادريس: (گذشت)

طریق پنجم نیز صحیح است.

۱. رجال نجاشی، ص ۳۷۳، رقم ۱۰۱۹.

۲. معجم رجال الحديث، ج ۱۵، ص ۱۵۶ و ۱۵۷، رقم ۱۰۳۶۹.

۳. رجال نجاشی، ص ۹۲، رقم ۲۲۸.

نتیجه: شیخ طوسی به همه‌ی کتب و روایات محمد بن علی بن محبوب دسترسی داشته و روایات فراوانی از وی در کتاب تهذیب و استبصار نقل نموده است و طریق خود را در مشیخه و فهرست بیان کرده که با بررسی‌های انجام شده مشخص گردید که طریق شیخ به محمد بن علی بن محبوب در مشیخه ضعیف است؛ ولی در فهرست پنج طریق دارد که سه طریق آن ضعیف و دو طریق دیگر صحیح می‌باشد.

با استفاده از قاعده (تعویض سند) می‌توانیم به تصحیح صدها روایاتی که شیخ در تهذیب و استبصار از محمد بن علی بن محبوب نقل نموده پردازیم و این یکی از فواید مهم آشنایی با طریق شیخ در فهرست است.

۲. در مواردی شیخ طوسی، احادیثی را از صاحب اصل و صاحب کتاب نقل کرده و اوایل اسناد را جهت اختصار حذف نموده است؛ ولیکن در مشیخه، طریق خود را به آن راویان ذکر نکرده است، در نتیجه حدیث از جهت سند مرسل و ضعیف می‌باشد؛ ولی با مراجعه به فهرست می‌توانیم در جریان طریق شیخ قرار بگیریم و به تصحیح اسناد این دسته از روایات پردازیم و واسطه‌های در نقل را شناسایی و آن‌ها را از ارسال خارج کنیم.

از جمله این موارد، احادیثی است که از دو راوی معروف، حریر بن عبدالله سجستانی و اسحاق بن عمار نقل کرده است.

روایات حریر

حریر بن عبدالله سجستانی از اصحاب امام صادق علیه السلام است، نام این راوی در حدود ۱۱۳۰ مرتبه در اسناد روایات تهذیب و استبصار تکرار شده و شیخ طوسی روایات فراوانی را از وی در این دو کتاب نقل کرده است؛ ولیکن طریق شیخ به این راوی در مشیخه ذکر نشده است، در نتیجه این روایات از جهت سند، مرسل و ضعیف محسوب می‌گردد؛ ولی وقتی به فهرست شیخ مراجعه می‌کنیم، می‌بینیم طریق خود را به اصول و کتب حریر ذکر نموده است. در کتاب فهرست ذیل عنوان «حریر بن عبدالله السجستانی» آمده است:

«ثقة؛ له كتب منها كتاب الصلاة؛ كتاب الزكاة؛ كتاب الصيام؛ النوادر تعدد كلها من الاصول اخيرنا برواياته»

الشيخ ابو عبدالله؛ محمد بن محمد بن النعمان (امامی ثقة) عن جعفر بن محمد بن قولويه (امامی ثقة) عن ابي القاسم؛ جعفر بن محمد العلوي الموسوي (مختلف فيه)

عن ابن نهيك (عبدالله بن احمد بن نهيك؛ امامی ثقة) عن ابن ابي عمير (امامی ثقة)
 عن حماد (حماد بن عيسى؛ امامی ثقة) عن حريز
 و اخبرنا عدة من اصحابنا عن محمد بن علي بن الحسين (امام ثقة) عن ابيه (امامی
 ثقة)

عن سعد بن عبدالله (امامی ثقة)

و عبدالله بن جعفر (امامی ثقة)

و محمد بن يحيى (امامی ثقة)

و احمد بن ادريس (امامی ثقة)

و علي بن موسى بن جعفر (امامی ثقة) كلهم

عن احمد بن محمد (احمد بن محمد بن عيسى اشعري قمی؛ امامی ثقة)

عن الحسين بن سعيد (امامی ثقة)

و علي بن حديد (ضعيف عند الشيخ)

و عبدالرحمن بن ابي نجران (امامی ثقة)

عن حماد بن عيسى الجهني (امامی ثقة) عن حريز

و اخبرنا الحسين بن عبدالله (امامی ثقة) عن ابي محمد الحسن بن حمزه العلوي

(امامی ثقة) عن علي بن ابراهيم (امامی ثقة) عن ابيه (امامی ممدوح بنا بر قول

مشهور و امامی ثقة از دیدگاه آیت الله خویی)

عن ابي محمد؛ الحسن بن حمزه العلوي (امامی ثقة)

عن علي بن ابراهيم (امامی ثقة) عن حماد (امامی ثقة) عن حريز.^۱

چنان که ملاحظه گردید، شیخ طوسی به روایات حریز دارای اسناد و طرق متعددی در
 فهرست می باشد که همه ی آنها (غیر از طریقی که علی بن حدید یا جعفر بن محمد علوی
 در آن واقع شده است) صحیح و معتبر است.
 آیت الله خویی بعد از یادآوری طریق "شیخ صدوق" و "شیخ طوسی" به "حریز" می نویسد:

۱. فهرست، ص ۱۶۳، ش ۲۴۹.

و طریقه - یعنی، طریق الصدوق - کطریق الشیخ الیه صحیح و لم یذکر الشیخ طریقه الیه فی المشیخة؛ ولكن الارديبيلي (محمّد بن علی اردبیلی، صاحب کتاب جامع الرواة) سها فذکر ان طریق الشیخ الی حریر صحیح فی المشیخة و الفهرست.^۱ بنابراین، عدم ذکر طریق شیخ در مشیخه، آسیبی به اعتبار روایات حریر در تهذیب و استبصار وارد نمی‌کند؛ بلکه با استفاده از قاعده‌ی تعویض سند می‌توانیم اعتبار روایات حریر را اثبات نماییم.

روایات اسحاق بن عمار

اسحاق بن عمار از اجلای اصحاب امام صادق علیه السلام، و از راویان معروف به حساب می‌آید. نجاشی درباره‌ی او نوشته است:

«شیخ من اصحابنا؛ ثقة و اخوته... و هو من بیت کبیر من الشیعة.»

نام این راوی (۴۱۸) مرتبه در اسناد روایات تهذیب و (۱۷۸) مرتبه در اسناد روایات استبصار و در مجموع (۵۹۶) مرتبه در اسناد این دو کتاب تکرار شده است. شیخ طوسی طریق خود به روایات اسحاق بن عمار را در مشیخه ذکر نکرده است؛ ولی در فهرست آورده است:

«له اصل: اخبرنا به الشیخ ابو عبدالله (شیخ مفید؛ امامی ثقة) الحسین بن عبیدالله (غضائری، امامی ثقة) عن ابی جعفر محمّد بن علی بن الحسین بابویه (شیخ صدوق، امامی ثقة) عن محمّد بن الحسن بن الولید (امامی ثقة) عن محمّد بن الحسن الصفّار (امامی ثقة) عن محمّد بن الحسین بن ابی الخطاب (امامی ثقة) عن ابن ابی عمیر (امامی ثقة) عن اسحاق بن عمار.»

طریق شیخ به اصل اسحاق بن عمار در الفهرست صحیح است. آیت‌الله خویی می‌نویسد:

«و کیف کان فطریق الشیخ الیه (اسحاق بن عمار) صحیح و لقد سها الارديبيلي رحمته الله

حیث قال: صحیح فی المشیخة و الفهرست؛ اذ لیس له ذکر فی المشیخة.»^۲

در نتیجه با مراجعه به طریق شیخ در الفهرست به تصحیح روایات اسحاق بن عمار در تهذیب و استبصار می‌پردازیم و عدم ذکر طریق شیخ در مشیخه ضرری به روایات اسحاق در

۱. معجم رجال الحديث، ج ۴، ص ۲۵۳.

۲. معجم رجال الحديث، ج ۳، ص ۶۳، ش ۱۱۵۹.

این دو کتاب نمی‌زند. در پایان یادآوری این نکته ضروری است که طریق شیخ طوسی به روایات و کتب راویان در فهرست سه‌گونه است:

الف) در بعض موارد به همه‌ی روایات و کتب راوی طریق دارد. مانند:

احمد بن محمد بن عیسی اشعری قمی (اخبرنا بجمیع کتبه و روایاته)^۱

احمد بن محمد بن سعید معروف به ابن عقده (اخبرنا بجمیع روایاته و کتبه)^۲

ابرهیم بن اسحاق ابواسحاق نهاوندی (اخبرنا بکتبه و روایاته)^۳

احمد بن علی بن محمد علوی عقیقی (اخبرنا بکتبه و سائر روایاته)^۴

ب) در مواردی به همه‌ی روایات راوی طریق دارد، مانند:

ابوالعباس احمد بن محمد بن نوح معروف به ابن نوح سیرافی (بجمیع روایاته)^۵

اسماعیل بن ابی‌زیاد سکونی (اخبرنا بروایاته)^۶

حسن بن حمزه علوی (اخبرنا بروایاته)^۷

حریز بن عبدالله سجستانی (اخبرنا بروایاته)^۸

ج) و در مواردی به همه‌ی کتب راوی طریق دارد، مانند:

اسماعیل بن محمد بن اسماعیل مخزومی (اخبرنا بکتبه)^۹

احمد بن محمد بن عمار کوفی (اخبرنا بکتبه)^{۱۰}

عیسی بن مهران (اخبرنا بکتبه)^{۱۱}

۱. الفهرست، ص ۶۱، ش ۷۵.

۲. همان، ص ۶۹، ش ۸۶.

۳. همان، ص ۱۶، ش ۹.

۴. همان، ص ۵۹، ش ۷۳.

۵. همان، ص ۸۷، ش ۱۱۷.

۶. همان، ص ۳۳، ش ۳۸.

۷. همان، ص ۱۳۵، ش ۱۹۵.

۸. همان، ص ۱۶۲، ش ۲۴۹.

۹. همان، ص ۳۰، ش ۳۵.

۱۰. همان، ص ۷۱، ش ۸۸.

۱۱. همان، ص ۳۳۲، ش ۵۲۰.

در صورتی که شیخ به همه‌ی کتب و روایات راوی و یا به همه‌ی روایات راوی طریق داشته باشد و طریق هم صحیح باشد، با استفاده از تعویض سند به تصحیح روایات تهذیب و استبصار که اسناد و طرق آن‌ها ضعیف است و یا طریقی برای آن‌ها در مشیخه ذکر نشده می‌پردازیم؛ ولی اگر شیخ تنها به کتب راوی طریق داشته باشد و طریق هم صحیح باشد، در صورتی می‌توانیم از آن در تصحیح روایات تهذیب و استبصار استفاده کنیم که احراز کنیم، این روایات از همان کتاب نقل شده و یا احراز کنیم که راوی روایات دیگری در غیر این کتاب ندارد؛ بنابراین، باید فرق بگذاریم بین تعبیر (اخبرنا بجمیع روایاته و کتبه؛ اخبرنا بجمیع روایاته) با تعبیر (اخبرنا بکتبه).

یکی از محققان با تتبع در الفهرست، مشیخه‌ی استبصار و اجازات بیش از دویست نفر را شناسایی نموده که شیخ طوسی به همه‌ی کتب و روایات آن‌ها طریق دارد.^۱

نتیجه‌گیری

از شیوه‌های ارزش‌گذاری حدیث و پی‌بردن به صحت صدور آن از معصوم علیه‌السلام، ارزیابی علمی اسناد و طرق است، بر این اساس، نویسندگان کتب اربعه حدیثی شیعه، روش نقل حدیث با سند را در پیش گرفتند و در این میان شیخ طوسی جهت اختصار به حذف اوایل اسناد اقدام کرده و احادیث را به صورت معلق نقل نموده است؛ ولیکن جهت دفع توهم ارسال، واسطه‌های محذوف را در آخر کتاب تحت عنوان «المشیخه» آورده است که از آن به «طریق» تعبیر می‌شود.

طریق شیخ طوسی در مشیخه کامل نیست؛ بلکه دارای دو نقص اساسی است که موجب ضعف سند حدیث می‌گردد. یکی عدم ذکر طریق و دیگری ضعف طریق. برای جبران این نقیصه می‌توان از روش‌های گوناگونی استفاده کرد که یکی از آن‌ها مراجعه به طرق و اسناد شیخ طوسی در الفهرست و تعویض اسناد صحیح به جای اسناد ضعیف است.

۱. اصول علم الرجال، ج ۱، ص ۱۶۲ - ۱۷۵.

- اصول علم الرجال، مسلم داوری، چاپ اول، قم، مؤسسه المحبین، ۱۴۲۶ق.
- الاستبصار فيما اختلف من الاخبار، ابو جعفر محمد بن حسن طوسی، چاپ سوم، تهران، دارالمکتبه الاسلامیه، ۱۳۹۰ق.
- الخلاصة (رجال علامه حلی)، حسن بن یوسف بن مطهر حلی، قم، دارالذخائر، ۱۴۱۱ق.
- الفوائد الرجالية (رجال السيد بحر العلوم)، سيد محمد مهدي بحر العلوم، تهران، مکتبه الصادق، ۱۳۶۳ش.
- الفهرست، ابو جعفر محمد بن حسن طوسی، نجف، المکتبه و المطبعة الحيدرية، ۱۳۸۰ق.
- بازشناسی منابع اصلی رجال شيعه، محمد کاظم رحمان ستایش و محمدرضا جديدي نژاد، چاپ اول، قم، مؤسسه علمی فرهنگی دار الحديث، ۱۳۸۴ش.
- دانش رجال، ابوطالب علی نژاد، چاپ اول، ج ۱، قم، نشر، ۱۳۸۷ش.
- رجال نجاشی، ابوالعباس احمد بن علی بن العباس نجاشی، چاپ ششم، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۸ق.
- سماء المقال، ابوالهدی کلباسی، قم، مؤسسه ولی العصر علیه السلام للدراسات الاسلامیه، ۱۴۱۹ق.
- کلیات فی علم الرجال، جعفر سبحانی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۵ق.
- معجم رجال الحديث، سيد ابوالقاسم موسوی خویی، چاپ سوم، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۸ق.